

مطالعه تطبیقی تصویر انسان منطقه البروج (زودیاک-من) در نگاره‌های ایران و هند

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۰۶-۹۲)

علیرضا طاهری^۱، زهره آقاجان زاده^۲

۱- استاد تاریخ هنر، گروه تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران (نویسنده مسئول)

۲- کارشناس پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده هنر و معماری

DOI: 10.22077/NIA.2021.4672.1533

چکیده

طب سنتی و نجوم سابقه‌ای دیرینه در تاریخ بشر داشته‌اند که از احتیاجات لازم جوامع بشری به‌شمار می‌آیند که بر اساس کیفیت علمی و فرهنگی هر جامعه رشد و ترقی کرده‌اند. پیشرفت و در نهایت ادغام هر کدام از این رشته‌ها بر اساس تحقیقات و تجربیات اندیشمندان و منجمان هر جامعه بوده است. ابتدا نجوم و در ادامه ادغام آن با علم طب برای ایجاد سلامتی در جامعه مسئله چالش برانگیز و پرمخاطره بوده است. در تمدن ایران و هند این روش دارای قدمت بسیار طولانی است. منجمان و طبیبان تمدن‌های ایران و هند بر اساس میزان تاثیرگذاری و بازیافتن سلامتی هر فرد، روش‌های درمانی متفاوتی براساس نجوم پزشکی ارائه داده‌اند. ترکیب نجوم و پزشکی سبب به وجود آمدن انسان منطقه البروج «زودیاک-من» شده که بر اساس آن هر یک از ماه‌های دوازده گانه سال برای درمان یکی از اعضای بدن مشخص گردید. هدف از انجام این تحقیق، بررسی تاثیرگذاری زودیاک-من بر تمدن‌های باستانی ایران و هند در حوزه درمان؛ و همچنین نحوه برخورد هنرمندان بر ترسیم پیکره زودیاک-من. سوالی که در این پژوهش مطرح است که: چه ارتباطی به لحاظ مفاهیم و شیوه تصویرنگاری انسان منطقه البروج در نگاره‌های (منتخب) ایران و هند وجود دارد؟ با توجه به بررسی‌های به عمل آمده به صورت کلی: شیوه پیکره‌نگاری «زودیاک-من» در هر دو نگاره از یک الگو و اندیشه واحد پیروی می‌کند اما نحوه پردازش آن به صورت بومی درآمده است. روش تحقیق بصورت توصیفی-تطبیقی می‌باشد و از روش کتابخانه‌ای برای انجام این پژوهش استفاده گردیده است که نتیجه آن تاثیرگذاری روش درمانی نجوم پزشکی ایران بر هند می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: انسان «منطقه البروج»، نجوم، تصویرسازی پزشکی، نگارگری ایران، نگارگری هند.

1- Email: al.taheri@art.ac.ir

2- Email: z.aghajanzadeh25@gmail.com

* این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشکده هنر و معماری دانشگاه سیستان و بلوچستان استخراج گردیده است. عنوان پایان‌نامه: بررسی شیوه تصویرپردازی آناتومی انسانی در کتاب تشریح البدن منصورى و انسان منطقه البروج (زودیاک-من) و نسخ مصور طبی اسلامی

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰)

مقدمه و بیان مساله

علاقه بشر به سیارات و ستارگان و دخیل بودن آنها در زندگی و سرنوشت انسان به هزاران سال پیش برمی‌گردد علم پزشکی یکی از علوم است که با علم نجوم در هم آمیخته و حاصل این ادغام را می‌توان در انسان منطقه البروج یا «زودیاک-من» مشاهده کرد. علم نجوم و تاثیرات فراوان آن بر علم نجوم پزشکی یکی از موارد مهم در ظهور «انسان منطقه البروج» یا «زودیاک-من»^۱ بر پایه قرارگیری سیارات و ستارگان در آسمان و تطابق تاثیرات آن بر اندام‌های انسانی است. نمود مصورسازی حاصله این ادغام در ایران و هند را می‌توان در کتاب‌های پزشکی یا کتاب‌های نجومی آن مشاهده کرد. کاربرد «زودیاک-من» بیشتر در علم پزشکی است. «زودیاک-من»، تصویر انسانی را نشان می‌دهد که جایگاه بروج فلکی دوازده‌گانه، بر روی بدن وی و تاثیرات پزشکی مربوطه به آن مشخص شده است. هر یک از این علائم، ماه و زمان مناسب برای جراحی هر یک از اندام‌های بدن یا مداوای پزشکی مناسب با بدن بیمار را بر اساس طالع وی مشخص می‌نماید. به طوری که طالع هر فرد در هنگام تولد مشخص می‌گردد و بر اساس همین طالع نیز امور پزشکی و درمانی آن انجام می‌شود. در «زودیاک-من» بروج فلکی دوازده‌گانه ترسیم شده بر روی آن، بر همان اساس طالع بینی، درمان و جراحی می‌شود. تا فرد بیمار مجدد سلامتی خود را باز یابد. «زودیاک-من» علاوه بر ایران و هند، در سایر کشورهای شرقی و غربی نیز مورد توجه بسیاری قرار گرفت. وجود این نگاره‌ها را می‌توان همانند نقشه و الگویی برای حکما و طبیبان دانست که از آن برای مشخص نمودن زمان جراحی یا سایر عملیات پزشکی بر روی بدن بیمار استفاده می‌نموده‌اند. این تصویر در نسخه‌های مصور خطی پزشکی یا به صورت برگه‌هایی منفرد در ایران و هند مشاهده می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

منابع در خصوص انسان «منطقه البروج» یا «زودیاک-من» در ایران بسیار کم است و به نظر می‌رسد که در این باره کمتر تحقیقی صورت گرفته باشد. هرچند که مطالعاتی در خصوص نجوم و پزشکی انجام شده ولی به صورت خاص در مورد

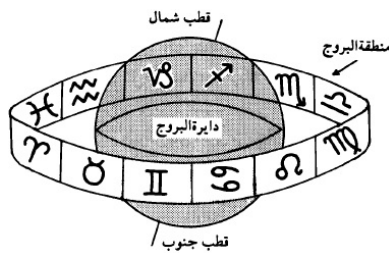
«زودیاک-من» تحقیقی صورت نپذیرفته است. در جستجوهای انجام شده به موارد تحقیقاتی ذیل می‌توان اشاره نمود: تحلیل و بررسی مفاهیم نجومی به عنوان شکل و صور تزئینی آثار فلزی دوره سلجوقی (مطالعه موردی: آبریز برنجی)، نوشته محمد افروغ و علیرضا نوروزی طلب (۱۳۹۱) است که شامل اطلاعاتی در خصوص صور فلکی به خصوص اسطرلاب و کره زمین می‌باشد که تصاویر آن در ظروف مصرفی دوره سلجوقی نیز به کار رفته است. تمام تصاویر مورد بررسی قرار گرفته در حوزه مدارهای نجومی و زیج می‌باشد که در ظروف برنجی نقش شده است. مقاله‌ای دیگر در حوزه علم و فرهنگ به حوزه مفهومی نجوم در اشعار پرداخته است که با عنوان مثنوی مولوی و نجوم، نوشته امیدوار مالملی (۱۳۸۷) منتشر شده است در این مقاله به مفاهیم نجومی و نحوه برخورد مولوی با این مفاهیم و به کارگیری آن در شعرهای این شاعر، پرداخته شده است من جمله ابزارهای نجومی، پدیده‌های جوی، پیوستگی اختران، سعد و نحس، افلاک و ستارگان... می‌باشد. مقاله شیوه تصویرگری نسخ خطی کتاب تشریح بدن منصور و تاثیر آن بر کتب تشریح بدن غربی و ژاپنی نوشته علیرضا طاهری (۱۳۹۷) که به صورت ویژه به تاریخ پزشکی می‌پردازد و در ادامه به بررسی چند نسخه تصویری که شامل تشریح الابدان منصور، نسخه پزشکی کتابخانه ملی آمریکا و نگاره‌های تصویری تشریح بدن کشور چین و ژاپن است را در بر می‌گیرد در ادامه نیز به معرفی اجمالی «زودیاک-من» نسخه خوارزمشاهی و نمونه‌ای از نگاره یونانی آن می‌پردازد. این مقاله به روش توصیفی-تطبیقی انجام شده است.

روش انجام پژوهش

روش تحقیق این مقاله توصیفی-تطبیقی بوده و شیوه جمع آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و مطالعه آثار و تجزیه تحلیل تصاویر به صورت کیفی است. در این تحقیق سه نگاره نجومی از ایران که ابتدا اولین نگاره از زودیاک-من که منتسب به کتاب خوارزمشاهی است انتخاب گردیده، نگاره دوم از نسخه موجود مصور در کتابخانه ملی عراق و نگاره سوم از تقویم سلطنتی عبدالمشید که تاریخ ۱۲۶۰ قمری مصور شده است، انتخاب گردید. سه نگاره دیگر از هند نیز انتخاب شده، که

یکدیگر می‌گشتند به عنوان رکن فهم آسمان دانسته شدند و به این ترتیب دایره البروج و ۱۲ صورت فلکی ۱۲ ماه ابداع شد» (وکیلی، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰). تمام صور فلکی دوازده گانه‌ای که در آسمان رویت شده، نامگذاری خاصی دارند که بعدها بر روی ابزاری نجومی با نام زیچ تمام نکاتی که برای محاسبه احتیاج بوده را نقش کردند و بر اساس اعداد و ماه‌های ۱۲ گانه و... به پیش‌بینی و طالع بینی پرداختند.

«سه مشخصه مهم بر روی هر زایچه وجود دارد که شامل: ۱- علائم منطقه البروج، ۲- کواکب و خانه‌ها، ۳- علائم‌ها. صورت‌های فلکی که در دوران‌های باستانی انسان بر اساس تخیل آن‌ها شکل گرفت تا بتوانند در مورد ترتیب، چرخش و ارتباط آن‌ها حکم صادر کنند، تمام صورهای فلکی که تا اکنون موجود است دارای نام و عنوان هستند مانند صور سرطان یا خرچنگ، که احکامی‌ها و منجمان همچنان بر اساس آن نظراتی را صادر می‌کنند» (قندی، ۱۳۸۰: ۹). «صحنه‌ای را که کواکب (=سیارات و ستارگان) نقش‌های خود را ایفا می‌کنند در واقع بر روی کمر بند بزرگ و پهناوری است (البته به طور فرضی) که دورتادور کره زمین مدور گشته و به مقیاس ۸ درجه در پهنا ۳۶۰ درجه در محیط (طول) می‌باشد. این کمر بند به محاذات عرضه است که خورشید سالیانه در آن، به نظر می‌آید که به دور زمین می‌چرخد و این پهنه یا عرضه یا گذرگاه را دایره البروج^۲ می‌گویند» (مشکوه، ۱۳۷۲: ۳۱).



تصویر ۱: منطقه البروج و کمر بند فرضی، آسترولوژی یا نجوم احکامی حقیقت یا خرافات، (مشکوه، ۱۳۷۲: ۳۳)

لازم به ذکر است، ذکر شود که احکامی‌ها براساس نقطه‌ایی در آسمان که آن را با دایره البروج می‌نامند (=مسیر خورشید) لحظاتی که مربوط به تولد اشخاص، حادثه‌ها و اتفاقات خاص و یا شروع کاری را بر آن می‌سنجند تا بتوانند به پیش‌بینی آینده (= طالع بینی) بپردازند. اهمیت این نقطه در زایچه به دلیل طلوع یک ستاره در شرق است زمان طلوع این ستاره و

نگاره اول از دیوارنگاره کشور هند در شهر گجرات، نگاره دوم مربوط به نسخه مصور در قرن نوزدهم و نسخه مصور سوم از کتاب هندی نجوم که منتسب سوریابا در قرن نوزدهم است گزینش گردید. ابتدا تصاویر هر کدام به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه در جداول جداگانه، ابتدا براساس روش درمانی، دوم بر اساس مشابهت تصویری و در جدول سوم مورد تطبیق قرار گرفته‌اند.

منطقه البروج (صُورِ فَلَکِی)

منطقه البروج یا صورت‌های فلکی در باور فرهنگ‌های مختلف عالم، بر سرنوشت انسان تاثیر مستقیمی دارد. «آسمان شبانه، مجموعه‌ای از ستارگان ثابت و سیار را در بر می‌گیرد. گردش انتقالی زمین به دور خورشید، باعث می‌شود تا خوشه‌های ستارگان به تدریج در جریان یک سال خورشیدی، در آسمان جا به جا شوند و به این ترتیب صورت‌های فلکی آسمانی در ماه‌های گوناگون جانشین یکدیگر می‌گردند. این بدان معناست که انسان، همزمان با حرکت زمین، در فضا، هر شب از نظر نگاهی متفاوت و از جایی متمایز به ستارگان می‌نگرد و از این رو بخش خاصی از ستارگان در میدان دید انسان قرار می‌گیرد. صورت‌های فلکی در واقع خوشه‌هایی از این ستارگان متحرک در آسمان هستند، که به سادگی و قابل فهم، به اشکالی معمولاً جانوران تشبیه شده‌اند. در هر دوره‌ی گردش زمین به دور خورشید، تقریباً با دوازده بار گردش ماه به دور زمین برابر است. اخترشناسان جهان باستان از دیر باز کوشیده‌اند تا راهی برای تلفیق دو تقویم شمسی و قمری بیابند. تنظیم تقویم شمسی کلان‌تر و ناملموس‌تر و تقویم قمری ملموس‌تر و مشاهده شدنی در هر شب است که در جهان باستان دارای اهمیت فراوان‌تری بوده است. روش‌های تنظیم گاهشمار از ماه، به سایر اختران شبانه نیز ارجاع یافت؛ یعنی اخترشناسان جهان باستان کوشیدند تا علاوه بر ماه، از حرکت سایر ستارگان نیز برای تخمین زمان آغاز سال جدید استفاده کنند. چنین بود که به هر یک از ماه‌های سال، یک صورت فلکی اختصاص دادند. به این شکل، ۱۲ صورت فلکی که در مسیری همتای گذرگاه خورشید در پی یکدیگر بر سپهر نمایان می‌شدند و در ماه‌های پیاپی سال، جانشین

است (وکیلی، ۱۳۹۰: ۸۷۷). عالمان و مُتَبَحِران علوم نجومی را در زبان فارسی مُنَجِّمِ باشی^۷ و فَلَکِی می‌گویند که اطلاعات نجومی را به دست می‌آورند و ثبت می‌کنند. تاثیرات ستارگان و سیارات را در احکام نجوم بر کره ارض و موجودات آن که با ارساد^۸ همراه باشد "تَنجیم" می‌گویند و کارهایی که منجمان در طول مدت زمانی مشخص انجام می‌دادند را زیج نشستن می‌گویند^۹ (مشکوه، ۱۳۷۲: ۱۳). «مهم‌ترین فعالیت‌های نجومی که دارای اعتبار فراوانی در جهان است را در ایران، دمشق و مصر انجام می‌گرفت به بیان ساده‌تر نجوم در انحصار این سه کشور بوده است؛ یکی از کتاب‌هایی که در مورد صور و درجات فلک نوشته است منسوب به زرتشت بوده و کتاب جاماسب می‌باشد» (عابد دوست، کاظم‌پور، ۱۳۸۸: ۸۵). در اثر نلینو که با عنوان کتاب تاریخ نجوم منتشر شده، آمده است: «از یاج یا زیجات یا زیجه" ابتدا در زبان پهلوی بوده است و بعد وارد زبان ساسانی می‌شود که آن را با عنوان "زیک" در متون ساسانی می‌توان یافت. در اصل زیگ به معنای تارهای پارچه می‌باشد و به عبارت ساده‌تر تار و پود را زیگ می‌گویند. ایرانیان بر اساس شباهت‌هایی که در خط‌ها جداول نجومی که به صورت افقی و عمودی است به مانند تار و پودهای پارچه است، آن را زیگ نام نهادند. زیج‌ها در ابتدا به صورت جدول‌های ریاضی بودند که محاسبات نجومی بر روی آن انجام می‌شد. این قوانین نجومی اساس و برهان ندارند و غیرهندسی هستند» (نلینو، ۱۳۴۹: ۷۰). زیج به طور کلی برای بررسی مواضع ستاره‌ها و سیارات در روزهای مختلف سال است و در موارد درینوردی و مشاهدات نجومی مانند طلوع و غروب خورشید، مشخص کردن اول هر ماه و همین طور برای استخراج احکام نجومی به کار می‌رود.

نجوم در هند

اخترشناسی در هند نیز دارای پیشرفت‌های چشمگیری بوده که بر فرهنگ اسطوره‌ای و دیدگاه کیهان‌شناسی آنان تاثیر فراوانی گذاشته است به طوری که «در هند اخترشناسی را "جیوتیشه"^{۱۰} می‌نامند و این نامی است که از "جیوتیس"^{۱۱} به معنای نور و جرم کیهانی گرفته شده است. این دانش در هند سه شاخه دارد که کمابیش با شاخه نجوم ایرانی برابرنند:

به عنوان دیگر صعود این ستاره را طالع می‌نامند که در برج صاعد یا همان طالع منطقه البروج، آن را زایجه می‌نامند. «در لوحه‌هایی که از زایجه‌ها وجود دارد می‌توان خانه‌هایی را در آن مشاهده که آن را بیوت می‌نامند که به صورت خانه‌های دوازده گانه تقسیم شده‌اند و بر اساس آن: ۱- زندگی، ۲- ثروت، ۳- وراثت، ۴- زمین و قبور اجدادی، ۵- همسر، شهر، اولاد، برادران و والدین، ۶- سلامتی و بیماری، ۷- ازدواج، ۸- مرگ، ۹- خدایان، دین و سفرها، ۱۰- سکونت، احوال، افتخارات، هنر، خصوصیات و...، ۱۱- دوستان و خیرخواهی، ۱۲- دشمنان و گرفتاری» را در آن پیش‌بینی می‌کنند. (گل‌سرخ، ۱۳۷۷: ۵۶۷-۵۶۸). «خانه‌هایی که در منطقه البروج کشیده شده‌اند شامل اعداد دوازده‌گانه‌ایی هستند که به جای تقسیمات آسمان، تقسیمات دوازده گانه سطح زمین بر آن وجود دارد که بر منطقه البروج آسمان هماهنگ است. واژه‌ایی که در رابطه با این موضوعات به کار می‌رود واژه دنیوی^{۱۲} است که با موضوعاتی که در خانه‌های منطقه البروج وجود دارد منطبق می‌شود. این مجموعه علامت با ستارگانی که در قسمت شرقی وجود دارد برابر هستند» (مشکوه، ۱۳۷۲: ۳۵). «هر انسانی در زمان تولد دارای طالع^{۱۳} می‌باشد که بر روی زایجه‌ها وجود دارند. بر همین اساس طالع شرقی را با علامت و مجموع ستارگانی که در غرب وجود دارند را به هم وصل می‌کنند، به این امر هُبوط^{۱۴} می‌گویند» (همان: ۳۶). از فواید برج‌های دوازده گانه این است که می‌توان با حساب و کتابی ساده به موقعیتی که در زمان تولد هر فرد وجود داشته است پی برد. به عنوان مثال اگر فردی زمان و روز تولدش را بدانند می‌تواند همراه با محاسبات پیچیده‌ای که احکامی‌ها انجام می‌دهند طالع خود را محاسبه کند و به پیش‌بینی آینده خود بپردازد. اعداد و ارقامی که بر روی زایجه قرار می‌گیرند طالع را مشخص می‌کند.

نجوم در ایران

نجوم در ایران دارای قدمت بسیاری طولانی است. «قدیمی‌ترین نسخه باقی مانده از نجوم سندی است که از دوران هخامنشیان باقی مانده که در قالب ماه‌های ایلامی- آشوری، عبری، پارسی باستان و زرتشتی طبقه‌بندی شده

و در ادامه آن را به کشورهای دیگر واگذار می‌کردند و تسلیم علم و پیشرفت آن‌ها می‌شدند من جمله اسلام، یکی از تاثیرگذارترین آن‌ها بوده است» (گلشنی، ۱۳۹۳: ۴۰).

انسان منطقه البروج (زودیاک-من)

طبیعیان مسلمان درباره اخترشناسی درست مانند جادو نظریات مختلف داشتند. بسیاری از طبیعیان خود اخترشناس بودند مانند یحیی بن جریر تکریتی، علی بن رضوان^{۱۷} که با نوشتن شرحی بر مقالات اربعه^{۱۸} بطلمیوس برای خود نامی کسب کرد. یعقوب بن اسحق کندی فیلسوف که صاحب چند تالیف پزشکی است رساله‌ای در باب صور نجومی و کاربرد آن در پزشکی^{۱۹} داشته است که فقط ترجمه لاتین آن در دست است. کندی در نوشته دیگری به نام رساله فی علّه البحارین للا مراض الحاده^{۲۰} علل اخترشناسی و پزشکی-ریاضی برای دوره‌ای بودن بحران‌ها مرضی بیان می‌کند. در اثبات درستی گرایش‌های اخترشناسی در طب می‌بینیم که سخنی از کتاب "هواها، آب‌ها و جایهای" بقراط نقل می‌شود و بیان می‌کند: "اخترشناسی خدمت کمی به علم پزشکی نمی‌کند، بلکه در حقیقت خدمت بزرگی می‌کند" (مشکوه، ۱۳۷۲: ۷۷). این گفته در بافت خود معنایش عمدتاً این است که پزشکان با توجه به طلوع و غروب برج خاص هر فرد می‌توانند آغاز و انجام فصول را پیش‌بینی کنند. متن سپس چنین ادامه می‌یابد: "زیرا گاهی تغییری در حفره‌ها جسم انسان با تغییر فصول مقاربت دارند". علی بن سهل طبری در "فردوس الحکمه" از آنچه بقراط گفته است مفاهیم بنیادی اخترشناسی و نجوم را به طور کامل عرضه می‌دارد و حتی محمد بن زکریای رازی در کتاب الحاوی خود بخش کوتاهی به تاثیر ستارگان در بحران‌های امراض اختصاص داده است. «در گذشته اطلاعات اخترشناسی برای پزشک لازم بوده است برای مثال کتاب "فی ما یحتاج الطیب من علم الفلک" اثر عدنان بن التصر عین زربی^{۲۱} است که طبیب شخصی الظافر بامرالله، خلیفه فاطمی در قاهره بوده است و پس از اینکه در باب مقدمه سخن بقراط این چنین توضیح می‌دهد: هر یک از سیارات در موضع خاصی، بیماری خاصی را پیش‌بینی می‌کند پزشک باید از علم به این موارد برای

سیدهنته^{۲۲} همان دانش فنی و محاسباتی اخترشناسی است. سَمِیهته^{۲۳} علم پیشگویی امور اجتماعی و رخدادهای طبیعی بر مبنای موقعیت ستارگان است و کمابیش با علم اختربینی و تعیین اوقات سعد و نحس هم‌تاست و به ویژه در واسوشاستره^{۲۴} کاربرد دارد و در نهایت هوره^{۲۵} که با طالع بینی مترادف است» (وکیلی، ۱۳۹۰: ۵۱۸). «هندیان صورت‌های فلکی دوازده‌گانه را مبتنی بر فلک ثوابت^{۲۶} در نظر گرفته‌اند که با نحوه نجوم نگاری ایران و یونان کاملاً متفاوت بوده است. در اخترشناسی بطلمیوسی، فلک حاملی که صورت‌های فلکی را بر خود دارد، بر اساس مسیرهای خورشیدی است که در در آسمان^{۲۷} با خطوط استوا برخورد می‌کند یعنی بر اساس مسیرهای خورشیدی که در بهار وجود داردسنجیده می‌شود و به همین دلیل آن را استوای^{۲۸} نامیده‌اند» (همان: ۵۱۹). از مراکزی که در آثار اسلامی به خصوص نجوم اسلامی تاثیرگذار بوده، آثار هندیان می‌باشد زیرا رابطه‌ی علمی این دو کشور بر پایه تعاملات و مبادلاتی بود که از طریق جاده ابریشم صورت می‌گرفته است. تمدن‌های ایران و هند در همه موارد تحصیلی بر همدیگر تاثیرگذار بوده‌اند و تاحدی بعضی از موارد علمی ریشه مشترک دارند اما در روند و ادامه دچار تغییر و تحوّل گشته‌اند. اما در حوزه نجوم هند بیشترین تاثیرات را از سایر ملل، گرفته است. «در میان قرن سوم پیش از میلاد تا قرن هشتم میلادی بیشترین و مهمترین آثار نجومی کشور هند پدید آمده است که راه ترقی را برای سایر علوم وابسته به نجوم را در هند هموار کرد. ستاره‌خوانی و نجوم یونانی در قرن دوم میلادی وارد هند شدو بعد از آن علوم نجومی یونانی-اسکندی بر آن تاثیر گذارد. برای اندازه گیری فاصله ماه و خورشید در آن زمان تلاش‌هایی امکان‌پذیر شد اما در دوران آریاباتای اول که در سال ۴۷۶ میلادی به دنیا آمد فعالیت بیشتری صورت گرفت که تا حدودی تا آن زمان موفقیت‌آمیز بود. منجمان هندی فقط بر اساس نتیجه‌های علمی که از فعالیت‌های اخترشناسی حاصل می‌شد، توجه می‌کردند و به عوامل دیگر تاثیرگذار کاری نداشتند. شاید به همین دلیل است که در علم نجوم آن‌ها اکتشاف مهم و شگرفی صورت نگرفت. در کل چیزی که می‌توان از آن نتیجه گرفت هندیان علم نجوم را از سایر کشورها می‌گرفتند و آن را کمی تعدیل می‌کردند

نسخه خوارزمشاهی با اینکه از نسخه اصلی کپی برداری شده اما بخش نجوم پزشکی به آن اضافه شده و تصویر «زودیاک-من» که منتسب به این کتاب است نیز توسط جرجانی به آن اضافه گشته است. تصاویر پزشکی کتاب به صورت سترک نما و ساده بیان شده‌اند و از هرگونه جزئیات بیهوده‌ایی که مانع فهم شود دوری کرده است. تصویر «زودیاک-من» هم نیز بر اساس فرم تشریح بدنی است که منسوری در گذشته آن را کشیده و جرجانی برای حفظ تعادل و توازن در فهم، «زودیاک-من» را بر همان اساس و فرم ساختاری ترسیم کرده است. حالت پاها، نحوه قرارگیری دست، نحوه پرداخت و رنگداری همانند سنّوات گذشته می‌باشد اما به جای اجزای داخلی بدن این بار سمبل ماه‌های بروج فلکی بر اجزای بدن نقش شده‌اند. در این تصویر به تاثیرگذاری ماه‌ها بر بدن و اعمال سلامتی در هنگام بیماری و جراحی تاکید دارد (تصویر ۲).

نگاره‌ای مصور از منطقه البروج در موزه عراق نگهداری می‌شود. این تصویر با خط فارسی و عربی مورد نگارش قرار گرفته و شعر فارسی با خط نستعلیق در بالا و پایین صفحه درج شده است. بروج فلکی در دوازده دایره به صورت مجزا در ردیف‌های سه تایی افقی و چهارتایی عمودی قرار گرفته‌اند. نگاره بسیار پر جزئیات می‌باشد و عناصر تصویری آبرهای پیچان چینی نیز به چشم می‌خورد. استفاده از رنگ طلایی که دایره‌های دوازده گانه محاط کننده، از تاثیرات هنر مانوی است. استفاده از رنگ لاجوردی در صفحه زمینه و رنگ طلایی در دایره‌ها در جلوه بخشیدن عناصر و تاکید بیشتر بر آن موثر بوده است. تصاویر بروج فلکی به صورت ساده و بدون بعدنمایی توسط نگارگر تهیه شده است (تصویر ۳). تصویر ۴ مربوط به سالنامه سلطنتی عثمانی که برای سلطان عبدالمشید اول در سال ۱۲۶۰ هجری قمری نگارش و مصور شده است که دارای چهارده علامت صورفلکی که دو مورد از آن در مجموعه تکرار شده است به صورت عربی، تیتراهی نارنجی رنگ، با خط نسخ، جوهر مشکی و قرمز، با رنگ گواش و ورق طلا در ترکیه عثمانی تهیه شده است. در این نگاره هم مانند تصویر قبل نمادهای بروج فلکی در دایره‌هایی به صورت مجزا مصور شده‌اند که در مرکز تصویر مردی با کلاه طلایی رنگ همراه با شش دست، در هر دست آن نخی قرار دارد که

مقاصد تشخیصی و تَقَدِّمَه المَعْرِفَه استفاده کند، بخصوص در مورد خونگیری باید به صور فلکی اختران توجه مبذول داشت مثلا خون گرفتن از پشت وقتی قمر در برج آسد است مبارک نیست» (مانفرد، ۱۳۸۳: ۱۵۰-۱۵۱). که اشاره مستقیمی به حجامت کردن مسلمانان در ماه‌های خاص سال دارد.

انسان منطقه البروج یا «زودیاک-من» تصویر انسانی است که در روی بدن آن علامت‌های نجومی وجود دارد. این علامت‌ها دارای نکات خاص در حوزه علم پزشکی می‌باشد که به این امر را برای پزشک مشخص می‌کند اگر عضوی دچار درد شد که نیاز مبرم به جراحی یا درمان‌های دیگری داشته باشد چه زمانی برای این درمان مناسب است. علامت‌های موجود بر «زودیاک-من» شامل ۱۲ برش می‌باشد که بروج دوازده گانه بر روی آن نقش شده‌اند. «زودیاک-من» عالم کبیر را در بدن صغیر نشان داده به طوری که هر انسان را نماد و نشانه‌ای از عالم وجود می‌داند. این عالم‌ها بر اساس طالع و «زودیاک-من» برای هر کس متفاوت است باید در مواقع بیماری این دو عالم مورد تطبیق و هماهنگی قرار گیرد تا سلامتی مجدد حاصل شود. این روش درمانی در تمدن غرب و دوران تمدن‌های قرون وسطی بکار گرفته شده است. «زودیاک-من» نمادی از تقسیمات دوازده گانه صورفلکی است که علایم بروج فلکی مورد انطباق قرار گرفته که آن را ماکروکوسم^{۲۲} و میکروکوسم^{۲۳} می‌نامند. ترکیب علوم پزشکی و علوم نجومی تا اواخر قرون وسطی ادامه پیدا کرد (طاهری، ۱۳۹۷: ۶۹). «زودیاک-من» نمونه کامل تشریح بدن است که اساس آن را نجوم تشکیل می‌دهد. در دوران قدیم اگر شخصی دچار بیماری می‌گردید با تلفیقی از علم نجوم و علم پزشکی درمان می‌شده است.

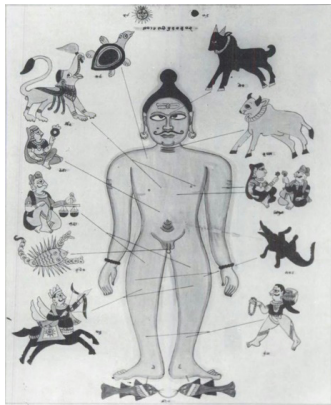
نگاره‌های انسان منطقه البروج (زودیاک-من) ایران

کتاب ذخیره خوارزمشاهی یکی از ماندگارترین کتاب‌ها در حوزه پزشکی است. در پنجاه صفحه ابتدایی این کتاب به وضوح از انسان منطقه البروج نام برده شده و روش‌هایی درمانی برای رهایی بیماری تجویز گشته است. تصاویر تشریح بدن خوارزمشاهی، براساس کتاب قانون ابن سینا و مصورسازی الیاس منصور در قرن هشتم هجری است.

«انسان منطقه البروج» در نگاره‌های هند

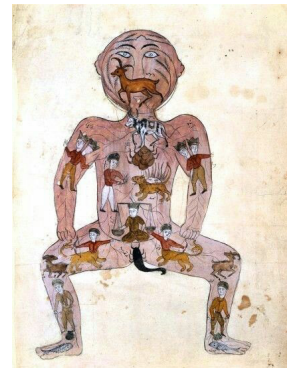
در فرهنگ هند برای نامیدن انسان منطقه البروج از اصطلاح «راسی پوروسا» استفاده می‌کنند. تصویری از آن بر روی دیواری در گجرات هند به صورت رنگی کشیده شده و تکنیک آن فرسک می‌باشد. این پیکره به صورت ایستا و تمام رخ نقاشی شده و نمادهای دوازده گانه در اطراف پیکره همراه با خطی نشانگر بر روی نقطه‌ای اجزای بدن تاکید دارد. نام تمام بروج و یا ماه در پایین نقش ترسیم شده نوشته شده است. (تصویر ۵).

در تصویری دیگر، نمادهای بروج فلکی بر خانه‌های مربع شکل در ردیف سه تایی افقی و چهار تایی عمودی قرار گرفته‌اند. تصویر زمینه هر دوازده خانه دارای یک موضوع با طبیعتی شامل: آب‌های پیچان سفیدو آبی توپر با زمینه سبز رنگ چمن و بوته‌های برگی شکل و رودخانه‌ای آبی رنگ و گل نیلوفر که نمادی از بوداست. رنگ غالب در تصویر سفید، قرمز، آبی و سبز است (تصویر ۶). در نگاره ای دیگر، سوریا یا حاکم هندی بر روی تختی نشسته که هفت اسب که به صورت پرسپکتیو مقامی کشیده شده‌اند آن را حمل می‌کنند و نشیمن گاه او، گل نیلوفر آبی است (تصویر ۷) پشت وی بالشت قطور استوانه‌ای شکل همراه با تکیه‌گاه و آفتاب‌گیر سلطنتی زمرد و یاقوت نشان تزئین گردیده. بروج فلکی هر کدام به صورت جداگانه در دایره منحصر به خودشان قرار داده شده‌اند. این تصویر دارای سه پس زمینه جداگانه است ابتدا آبی آسمانی همراه با کمی آبر در بالای تصور حاکم، دوم زمینه شیری رنگ برای بروج فلکی و سوم زمینه قرمز با برگ‌های سبز تیره.

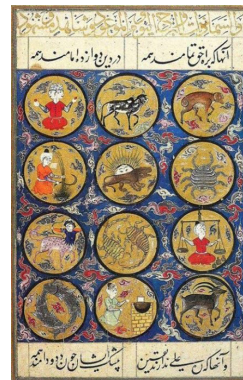


تصویر ۵: راسی پوروسا، نمودار دیوارهای یک ستاره‌شناس، تکنیک فرسک، گجرات، هند، (URL4)

به یکی از بروج متصل شده است احتمالاً هماهنگی فرد را با اتفاقات نجومی می‌رساند. در فضای خارج از دایره تصویر دو خورشید در سمت راست و چپ قرار دارد و در دو دایره پایین نیز تصویر ماهی و گاو شاخدار ترسیم شده است. در فضای زمینه که با رنگ لاجوردی رنگ شده طرح‌های اسلیمی به صورت خطی و با رنگ طلایی به هر چه بیشتر جلوه بخشیدن کمک کرده است.



تصویر ۲: زودیاک-من، نسخه منتسب به خوارزمشاهی، جرجانی، ایران، (URL1)



تصویر ۳: منطقه البروج، نسخه خطی، عراق، (URL2)



تصویر ۴: تقویم سلطنتی عثمانی برای سلطان عبدالمشید اول، محمد سعدالله، گواش و ورق طلا، ۱۹×۲۷ سانتی‌متر، ۱۲۶۰ هجری قمری، ۱۸۴۴ میلادی، ترکیه، (URL3)

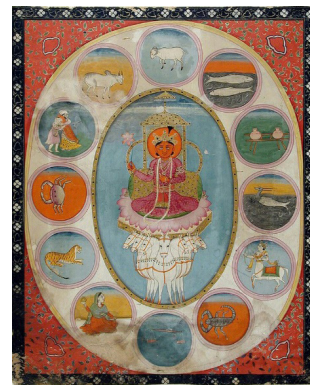
تطبیق «منطقه البروج» و «انسان منطقه البروج» در نگاره‌های منتخب

موارد کاربرد «زودیاک-من» در علم پزشکی شامل موارد درمانی می‌شود به طوری که اگر شخصی دچار درد و یا صدمات شدید بدنی شود و نیاز به عمل جراحی داشته باشد باید در زمان و ماه خاصی این درمان صورت گیرد تا مجدد، سلامتی شخص حاصل گردد. در جدول ذیل به بررسی اجزای دو نگاره که جهت درمان نقاط مختلف بدن مشخص شده مورد بررسی و در ادامه مورد تطبیق قرار می‌گیرد.

همانطور که در توضیحات جدول قید شده است، شباهت‌های بسیاری بین دو نگاره دیده می‌شود اما تفاوت بارزی که قابل ذکر است توصیه‌های موجود پزشکی در بعضی موارد جهت درمان قسمتی از بدن متفاوت می‌باشد. در ادامه باید این نکته را نیز قید کرد که نمادهای مورد بحث در هر دو کشور نیز متفاوت بوده و مورد بومی سازی قرار گرفته‌اند. در جدول بعدی به بررسی دو نگاره از ایران و دو نگاره از هند پرداخته شده که شباهت‌ها و تفاوت‌ها به صورت تفکیک شده از هم قرار گرفته‌اند.



تصویر ۶: نشانه‌های زودیاک، قرن نوزدهم، هند، (URL5)



تصویر ۷: سوریابا علائم زودیاک احاطه شده است، آبرنگ مات و طلا روی کاغذ، ۲۹x۲۰ سانتی متر، مجموعه سوم ادوین بینی، موزه هنر سن دیگو، ۱۸۳۰، هند (URL6)

جدول ۱: بررسی تصویر زودیاک-من در نگاره ایرانی و هندی: توصیه‌های نجومی برای درمان اعضای بدن (نگارندگان، ۱۴۰۰)

مشخصات	اجزای زودیاک-من ایران	اجزای زودیاک-من هند	
۱			در هر دو نگاره مناسب‌ترین زمان را برای درمان سر را ماه فروردین می‌دانند که با نماد حمل و سمبل بَرّه بر روی صورت نمایش داده شده که شامل: چشم‌ها، گوش‌ها، بینی، دهان، دندان و سایر اجزای صورت و سر است را مناسب دانسته‌اند.
۲			در هر دو نگاره مناسب‌ترین ماه را برای درمان گردن را ماه اردیبهشت می‌دانند که با نماد ثور و سمبل گاو نمایش داده شده که شامل: انتهای دهان، حنجره، تارهای صوتی، گردن است را مناسب دانسته‌اند.
۳			در هر دو نگاره مناسب‌ترین زمان را برای درمان بازو و دست‌ها را خرداد می‌دانند که با نماد جوزا و سمبل دو پیکر مشخص شده‌اند. این ماه برای درمان دو بازو، دو دست و انگشتان دست مناسب باشد. در زودیاک ایران این ماه علاوه بر موارد فوق مناسب برای درمان دو کتف نیز است.
۴			ماه تیر با نماد سرطان و با سمبل خرچنگ در زودیاک ایران مشخص شده است که مناسب برای درمان بیماری‌های قلبی است. اما در زودیاک هندی به جای خرچنگ از سمبل فیل استفاده شده که این حیوان در خدمت خدایان هندی می‌باشد. این ماه مناسب برای درمان بیماری‌های قفسه سینه که شامل: قلب، شش‌ها و ... است.

مشخصات	اجزای زودیاک-من ایران	اجزای زودیاک-من هند
<p>۵</p> <p>ماه مرداد با نماد آسد و با سَمبِل شیر خورشید در زودیاک ایران مشخص شده است اما در نگاره هندی این سَمبِل لاک پشت می‌باشد که از حیوانات بومی هند است. این ماه در زودیاک ایران برای درمان قفسه سینه سمت راست همراه با اجزای داخلی آن، مناسب دانسته شده که در زودیاک هندی این ماه نیز مناسب درمان دو کتف است.</p>		
<p>۶</p> <p>ماه شهریور که در زودیاک ایران با پیکره مرد و در زودیاک هند با پیکره زن ترسیم شده است. در زودیاک ایران این ماه مناسب درمان قفسه سینه سمت چپ و اجزای داخلی آن می‌باشد و در زودیاک هندی این ماه مناسب برای درمان اجزای زیر قفسه سینه شامل اجزای شکمی، روده‌ها و... است می‌باشد. این ماه با نماد سَنبِلَه و سَمبِل بانوی باکره یا خوشه گندم معلوم می‌گردد.</p>		
<p>۷</p> <p>ماه مهر با نماد میزان و سَمبِل ترازو می‌باشد که در زودیاک ایران این ماه مناسب برای درمان اجزای شکمی که شامل معده، روه و... است. اما در زودیاک هندی این ماه مناسب برای درمان کشاله ران می‌باشد.</p>		
<p>۸</p> <p>در هر دو نگاره مناسب‌ترین زمان را برای درمان ناحیه شرمگاهی، آبان می‌دانند که با نماد عقرب و سَمبِل کژدم بیان می‌گردد. در زودیاک ایران از نماد و در زودیاک هندی از سَمبِل این ماه برای مصورسازی استفاده شده است.</p>		
<p>۹</p> <p>ماه آذر با نماد قوس و سَمبِل کمان یا کمانگیر مشخص می‌شود. این ماه در زودیاک ایران مناسب برای درمان ران پا می‌باشد اما در زودیاک هندی این ماه مناسب درمان زانو است.</p>		
<p>۱۰</p> <p>ماه دی با نماد جدی و سَمبِل بز کوهی مشخص می‌شود که این ماه در زودیاک ایرانی برای درمان زانو توصیه شده است و در زودیاک هند برای درمان ران پا استخوان‌های این ناحیه می‌باشد. در زودیاک هندی سَمبِل ماه دی، سوسمار می‌باشد که یکی از حیوانات بومی هند می‌باشد.</p>		
<p>۱۱</p> <p>در هر دو نگاره مناسب‌ترین زمان را برای درمان ساق پاها و درهای استخوانی قسمت پایینی پاها، ماه بهمن است که با سَمبِل سقا یا سطل آب مشخص می‌گردد و نماد آن دِلو می‌باشد.</p>		
<p>۱۲</p> <p>در هر دو نگاره مناسب‌ترین زمان را برای درمان پاها و کف پا و قوزک های پا، ماه اسفند توصیه شده است که با نماد حوت و سَمبِل دو ماهی در زودیاک ها مشخص شده است.</p>		

جدول ۲: بررسی تصویرسازی نگاره‌های منطقه البروج نسخه خطی و تقویم سلطنتی ایران، نگاره زودیاک وسوریا با هند(نگارندگان: ۱۴۰۰)

توضیحات	اجزای منطقه البروج نگاره نسخه خطی، ایران	اجزای منطقه البروج نگاره زودیاک، هند	توضیحات	اجزای منطقه البروج نگاره تقویم سلطنتی، ایران	اجزای منطقه البروج نگاره سوریا با، هند
<p>شباهت: دو نگاره به حاکم وقت آن زمان تقدیم شده است. در هر دو نگاره منطقه البروج، در مرکز تصویر پیکره انسانی وجود دارد تا تأکیدی</p>			<p>شباهت: هر دو نگاره بسیار پر جزئیات هستند. استفاده از رنگ‌های غلیظ و اصلی. هر دو نگاره از هنر مانوی تأثیر پذیرفته به طوری که در</p>		

		<p>نگاره ایران استفاده از رنگ طلایی مشاهده و همینطور در نگاره هندی هاله‌ی دور سر که در تصویرسازی ماه خرداد (دو پیکر) وجود دارد ترسیم گردیده است. تفاوت: سمبل‌های دوازده‌گانه هندی در مربع‌های هم اندازه در ردیف‌های سه تایی افقی و چهارتایی عمودی محاط شده اند و به طور کامل صفحه را پر کرده‌اند اما سمبل‌های مصور نگاره ایران در دایره قرار گرفته‌اند و اطراف آنها نیز با ابره‌های پیچان چینی پر شده است. استفاده از حیوانات بومی کشور هند که شامل سوسمار و ببر جایگزین بعضی از سمبل‌های ماه‌ها شده‌اند مانند: مرداد (هند: ببر، ایران: شیر و خورشید)، دی (هند: سوسمار) که به صورت سگ همراه با پوست سوسمار، ایران: بز کوهی شاخدار)، اسفند (هند: دو مار در حال خوردن همدیگر، ایران: دو ماهی) ارائه شده‌اند. در مصورسازی بعضی از ماه‌های سال تفاوت‌های جزئی که شامل تعداد حیوان و یا نحوه عملکرد آن وجود دارد، که شامل موارد ذیل می‌شود: خرداد (هند: پیکره زن و مرد در کنار یکدیگر نشسته‌اند، ایران: پیکره مرد و کله)، تیر (هند: کژدم، ایران: خرچنگ)، شهریور (هند: بانویی در قایق همراه با اسبی کوچک کنار قایق در حال دویدن، ایران: مردی در حال چیدن خوشه گندم)، آبان (هند: مجدد کژدم، ایران: دو کژدم)، دی (هند: مردی کوزه بدست، ایران: مردی در حال کشیدن آب از چاه)، اسفند (هند: دوسمار، ایران: دو ماهی) قرار دارند. در تصویرسازی چهره نگارگر هندی سعی در بازتاب چهره‌های بومی خود کرده است و از المان‌های بودایی نیز مانند نیلوفر آبی نیز استفاده کرده است.</p>			<p>بیشتر بر تأثیرات ماه‌های مختلف سال داشته باشد و هر چه بیشتر برای هماهنگ شدن با تحولات نجومی را برای سلامتی بیشتر و رقم خوردن اتفاقات شاد و دوری از شر را تأکید می‌کند. سمبل‌ها به صورت مجزا در دایره به دور پیکره ترسیم شده و حرکت چرخشی ماه‌ها را برخلاف عقربه‌های ساعت ترسیم کرده‌اند. تفاوت: نگاره مصور ایران بسیار فاخر و شاهانه‌تر از نگاره هندی ترسیم شده به طوری که بجای استفاده از رنگ زرد از ورق طلا استفاده شده است، رنگ‌های مورد استفاده هم بسیار درخشان و شفاف‌تر می‌باشد و این می‌تواند قدرت مالی حکومت عثمانی را بازگو کند. اما در نگاره هندی رنگ‌ها از درخشندگی کمتری برخوردار و کدر می‌باشند. موجودات چهارپا که شامل حیوانات اهلی می‌باشند در نگاره ایران به صورت بالدار مَصَوَّر شده‌اند که می‌تواند تأثیر عجایب‌نامه‌ها که در آن دوره تاریخی نگارش می‌شده است را بیان کند. در تصویرسازی ماه‌های خرداد (هند: پیکره زن و مرد، ایران: مرد دو کله)، شهریور (هند: بانو باکره، ایران: گندم)، آذر (هند: کمانگیر که ادغام بدن اسب و انسان است، ایران: کمان)، دی (هند: نیم تنه بز شاخدار و ماهی، ایران: بز همراه با بال پرنده)، بهمن (هند: دو کوزه بر روی سازه چوبی، ایران: یک سطل) و اسفند (هند: دو ماهی، ایران: تک ماهی) استفاده شده است. در نگاره ایران از خط جهت توضیحات بیشتر استفاده شده که نگاره هندی فاقد این عنصر می‌باشد.</p>
					
					
					
					
					
					
					
					
					
					

نگاره‌های «زودیاک-من» می‌توان بومی‌سازی فرهنگی را در تصاویر مشاهده کرد.

تطبیق «انسان منطقه البروج» در نگاره‌های منتخب

در جدول ذیل (=۳) به بررسی و تطبیق انسان منطقه البروج پرداخته شده، که این جدول به هیكل و شكل کلی نگاره‌ها اشاره دارد. در دو جدول قبل (=۱ و ۲) جزئیات و سَمبل‌های صور فلکی و نکاتی که به درمان و یا طالع بینی اشاره داشته‌اند مورد توضیح قرار گرفته است اما علاوه بر موارد فوق شکل و صورت کلی نگاره‌ها نیز دارای شباهت و تفاوت‌هایی می‌باشد که در جدول ذیل به آن اشاره می‌شود.

در جدول ارائه شده، تصاویر نمادها به صورت تفکیک شده، روبه‌روی یکدیگر بر اساس اولین ماه تا آخرین ماه (= فروردین تا اسفند) درج شده و مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است. ابتدا باید عنوان کرد که نگارگران هر دو کشور بسیار زیبا به ترسیم منطقه البروج پرداخته‌اند. اما شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که در هر دو نگاره وجود دارد فقط منوط به نحوه‌ی ترسیم و یا بازنمایی سَمبل‌ها نیست. بلکه نگارگران سعی کرده‌اند تا عقاید، محیط و فرهنگ جامعه خود را در تصاویر درج کنند که موفق هم بوده‌اند. در تصاویر می‌توان چهره‌ها و محیط پیرامون که اعم از گیاهان، حیوانات، اعتقادات، تزئینات، آرایش و پوشش فرهنگ را شامل می‌شود در تصویر مشاهده کرد که چگونه نگارگر به تصویر کشیده است. در تصاویر منطقه البروج مانند

جدول ۳: تطبیق نگاره‌های زودیاک-من و منطقه البروج ایران و هند (نگارندگان، ۱۴۰۰)

مشخصات	ترسیم خطی نگاره‌ها و اجزای منطقه البروج
زودیاک ایران به صورت مرد ترسیم شده و نگاه آن به رو به می‌باشد. سر و نیمه تنه بالایی آن از رو به رو و دست‌ها و پاها به صورت نیم رخ می‌باشد و کف دست‌ها بر روی زانو قرار گرفته است. حالت پیکره نیمه خمیده می‌باشد. تصاویر صور فلکی نیز بر روی بدن نقش شده‌اند به طوری که اگر خطوط پیرامونی بدن برداشته شود کاملا فرم بدن در آن مشاهده می‌شود.	
زودیاک هندی به صورت مرد ترسیم شده است و نگاه آن نیز به رو به می‌باشد. سر و نیمه تنه بالایی آن از رو به رو و دست‌ها و پاها نیز به صورت نیم رخ می‌باشد. حالت پیکره به صورت ایستاده است. تصاویر صور فلکی در خارج بدن و دور بدن پیکره قرار گرفته‌اند و اگر پیکره از تصویر حذف گردد فرم پیکره قابل تشخیص نیست و فقط فرم بیضی آن مشخص می‌گردد.	
- تفاوت‌ها: حالت پیکره = ایران: نیمه خمیده، هند: ایستاده - صور فلکی = ایران: در داخل پیکره، هند: اطراف پیکره - استفاده از خط در نگاره هند	- شباهت‌ها: جنسیت - فرم بدن - استفاده از صور فلکی - استفاده از رنگ
نگاره منطقه البروج ایران، از دو بخش مستطیل افقی در بالا و مربع در پایین تصویر ساخته شده که در بالا متن و در پایین صفحه بروج فلکی در دایره‌های مرتب، در درون دایره دیگر قرار گرفته‌اند. در مرکزیت تصویر پیکره مرد با چندین دست قرار دارد که به صورت رو به رو کشیده شده است.	
نگاره منطقه البروج هند، دو بیضی بزرگ ترسیم شده که در مرکزیت بیضی یک مرد نشسته بر روی یک تخت قرار گرفته است. در بیضی دوم، دایره‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و دور پیکره را محاط نموده‌اند.	

مشخصات	ترسیم خطی نگاره ها و اجزای منطقه البروج
- تفاوت‌ها: عدم استفاده از خط در نگاره هند	- شباهت‌ها: استفاده از چندین فرم دایره - استفاده از صور فلکی - استفاده از پیکره مرد در مرکزیت صورفلکی - استفاده از رنگ
نگاره منطقه البروج ایران، سمبل صورفلکی در دایره‌های جداگانه و در مستطیل کلی کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، در بالا و پایین صفحه نیز از خط استفاده شده است. سمبل‌ها کاملا شکل و شمایل ایرانی پیدا کرده‌اند و بازگو کننده سبک ایرانی هستند.	
نگاره منطقه البروج هند، سمبل صورفلکی در مربع‌های جداگانه و در مستطیل کلی صفحه کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. سمبل‌ها کاملا شکل و شمایل هندی پیدا کرده‌اند و بازگو کننده سبک هندی هستند.	
- تفاوت‌ها: عدم استفاده از خط در نگاره هند - استفاده از شکل = ایران: دایره، هند: مستطیل	- شباهت‌ها: استفاده از صور فلکی - قرار گیری سمبل‌ها به صورت سه تایی افقی و چهار تایی عمودی - استفاده از رنگ - بازگو کننده سبک بومی و محلی

من « مصور هندی بر اساس «زودیاک-من» مَصُور جُرجانی کشیده شده است اما تنها تفاوت در بازنمایی پیکره زودیاک است به طوری که «زودیاک-من» ایران به صورت نیمه خمیده یا اصطلاحاً حالت قورباغه‌ای به خود گرفته اما زودیاک هندی به صورت تمام قد و ایستاده ترسیم شده است. در برخی از سمبل‌های نگاره هندی برخی از حیوانات جایگزین شده‌اند مانند استفاده از نماد سوسمار، لاک پشت و فیل به جای خرچنگ، شیر و بزکوهی که علت آن بومی بودن این حیوانات در هند می‌باشد. در منطقه البروج هم این جایگزینی وجود دارد مانند استفاده از ببر به جای شیر، یا استفاده از مار به جای دوماهی. نکته مهم و ویژه، چهره پیکره‌های انسانی است که در نگاره‌های منطقه البروج هندی دیده می‌شود که حاکی از عقاید بودایی و خدایان هندی آنهاست همینطور استفاده از نماد گل نیلوفر آبی که نشانه‌ای از بودا است. نگارگران هر دو کشور به تابعیت از مفاهیم ساختارهای جامعه خود به طراحی «زودیاک-من» و منطقه البروج پرداخته‌اند و می‌توان اذعان داشت که بسیار هم موفق بوده‌اند.

شباهت‌های ساختاری که در نگاره‌ها وجود دارد اعم از مرد بودن، استفاده و تاکید بر صور فلکی، رنگ‌آمیزی و تاکید بر بومی بودن از مواردی است که در همه تصاویر منتخب دو کشور دیده می‌شود. اما استفاده از نوشتار و یا حالت قرارگیری و چیدمان در صفحه مربوط به نوع هنر و خلاقیت نگارگر بر می‌گردد، که هنرمندان هر دو کشور به زیبایی آن را به تصویر در آوردند.

نتیجه‌گیری

با ترکیب شدن علم نجوم و پزشکی و ظهور «زودیاک-من» نحوه برخورد و امکان استفاده از این کشف علمی در آن زمان، با رخدادهای متفاوتی همراه بوده است. تصویر ابتدایی که جرجانی بر اساس کتاب خوارزمشاهی کشیده بسیار ساده و بدون جزئیات است که علت آن هم تاثیرپذیری از نقاشی‌های منصور و نسخه ابتدایی کتاب تشریح الابدان می‌باشد. این نگاره بسیار ساده و قابل فهم بوده است که در ادامه این روند، نگاره‌های منطقه البروج نیز اضافه می‌گردد و بارها در کتاب‌های ایرانی ترسیم می‌شود. نمونه فاخر این نقاشی را می‌توان در نمونه تقویم سلطنتی مشاهده کرد. «زودیاک-

پی‌نوشت‌ها:

۲۱- ۵۴۸ ه.ق / ۱۱۵۳ م

22- Macrocosm

23- Microcosm

فهرست منابع

- افروغ، محمد، نوروزی طلب، علیرضا، (۱۳۹۱)، تحلیل و بررسی مفاهیم نجومی به عنوان شکل و صور تزئینی آثار فلزی دوره سلجوقی (مطالعه موردی: آبریز برنجی)، نشریه نگره، دوره ۷، شماره ۲۱، صص ۶۸-۸۳
- اولمان، مانفرد، (۱۳۸۳)، طب اسلامی، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات توس، تهران، ۱۳۸۳
- طاهری، علیرضا، (۱۳۹۷)، شیوه تصویرگری نسخ خطی کتاب تشریح بدن منصوری و تاثیر آن بر کتب تشریح بدن غربی و ژاپنی، نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، دوره ۲۳، شماره ۴، صص ۶۱-۷۱
- عابد دوست، حسین، کاظم‌پور، زیبا، (۱۳۸۸)، تداوم حیات اسفنجس و هارپی‌های باستانی در هنر دوره اسلامی، فصلنامه تحلیلی-پژوهشی نگره، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۸۱-۹۲
- قندی، حسین، (۱۳۸۰)، آموزش آسترولوژی/احکامی (ودیک)، جزوه دست نویس
- گل‌سرخ، ایرج، (۱۳۷۷)، تاریخ جادوگری، چاپ اول، تهران: انتشارات مهارت
- گلشنی، علیرضا، (۱۳۹۳)، مکتب پزشکی بغداد، تهران: انتشارات میر ماه
- مالمی، امیدوار، (۱۳۸۷)، مثنوی مولوی و نجوم، نشریه پژوهشنامه ادب حماسی (پژوهشنامه فرهنگ و ادب)، دوره ۴، شماره ۷، صص ۶۶-۹۵
- مشکوه، فرزاد، (۱۳۷۲)، آسترولوژی یا نجوم احکامی حقیقت یا خرافات، تهران: انتشارات گلچین
- نلینو، کرلوآلفونسو (۱۳۴۹)، تاریخ نجوم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
- وکیلی، شروین، (۱۳۹۰)، کتاب اسطوره شناسی آسمان شبانه، <https://dehlinks.ir/fa/book/history/book/10665>

1- Zodiac-man

2- Ecliptic

3- Mundanne

4- Ascendant or rising sign

توجه داشته باشید که این لغت با طالع‌بینی کاملاً متفاوت بوده و مغایر با آن است.

5- Descendant

۶- رئیس منجمان (لغت نامه دهخدا، <https://abadis.ir>، ۲۰). از مشاغل دیوانی ایران. این سمت همواره از مشاغل مهم و درجه اول درباری محسوب می‌شد. شاه چندین منجم (اخترشناس) داشت که مأمور بودند تا هر روز در دربار حاضر شوند که اگر پادشاه و مقربان او به جهت انجام کاری، رفتن به سفری، پوشیدن رخت تازه و غیره تحقیق نمایند، آماده پاسخ‌گویی باشند. در زمان قاجاریان منجم باشی یا رئیس اخترشناسان مسئولیت تنظیم تقویم و تعیین ساعات سعد و نحس و نفوذ ستارگان را در اعمال بشری به عهده داشت. هر بار که شاه به سفر، شکار و دید و بازدید می‌رفت با او مشورت می‌کرد تا ساعت سعد را تعیین نماید. منجم باشی در ساعت نحس با تمام قوا از عزیمت شاه جلوگیری می‌نمود (دانشنامه آزاد، <https://abadis.ir>)

۷- ارساد یعنی رصد کردن، مشاهده کردن و معادل انگلیسی آن Observaton است.

8- Geotextileh

9- Giotis

10- Sidenthe

11- Summit

۱۲- معماری و ساخت معابد

13- Hooray

14- Sidereal system

15- Ecliptic

۱۶- ۴۲۱ ه.ق / ۱۰۶۸ م

17- Tropical system

18- Quadripartitum

19- De signis astronomiae applicatis ad medicinam

۲۰- در فهرست ابن‌الندیم فی علّه بحارین الامراض الحاده، صفحه ۴۶۹

-URL4:<https://www.flickr.com/photos/asianartsandiego/4838521736/in/album-836191855813214841/>
 (آخرین بازنگری ۵ اسفند-۱۳۹۹ در حال حاضر این تصویر از مجموعه سن دیگو حذف گردیده است، اما سایر مجموعه همچنان در صفحه مجازی برای دسترسی همگان موجود است).
 -URL5: <http://collections.vam.ac.uk/item/O430452/painting-unknown/>

(آخرین بازنگری ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

-URL6:<https://www.flickr.com/photos/asianartsandiego/4838521736/in/album-72157626169649162/>

(آخرین بازنگری ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

فهرست منابع تصویر

- URL1: http://www.spectacles-selection.com/archives/expositions/fiche_expo_V/venise_et_lorient/venise_et_lorient_diapos.htm

(آخرین بازنگری ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

- URL2: <https://amphitriti.tumblr.com/post/143896821358/zodiac-antique-manuscript>

(آخرین بازنگری ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

- URL3: <http://www.sothebys.com/en/auctions/ecatalogue/2012/an-eye-for-opulence-art-of-the-ottoman-empire/lot.266.html>

(آخرین بازنگری ۱۸ آذر ۱۴۰۰)

A Comparative Study of the ‘Zodiac Man’ Portrays in Iranian and Indian Paintings

Alireza Taheri¹, Zohreh Aghajanzadeh²

1- Professor of Art History, Department of Comparative and Analytic History of Islamic Art, Faculty of theories and Art Studies, Tehran University of Art. (Corresponding author)

2- Master of Art Research, University of Sistan & Baluchestan, Zahedan

DOI: 10.22077/NIA.2021.4672.1533

Abstract

Human interest in planets and stars and their role in human life and destiny dates back to thousands years ago. Astrology has had numerous effects on medical sciences. One of its important roles is the appearance of ‘Zodiac Man’ based on the position of planets and stars in the sky and the coincidence of its effects on human organs. The ‘Zodiac Man’ appeared most frequently in calendars, devotional Books of Hours, and treatises on philosophy, astrology, and medicine in the medieval era. ‘Zodiac Man’ shows the image of a human that the position of the twelve constellations and the related medical effects are marked on his body. Each of these marks determines the appropriate month and time for surgery of each organ of body or the appropriate medical treatment for patient based on his astrology. This image can be seen in medical handwritten illustrated copies or single sheets in Iran and India. The main query of this study which has been carried out based on descriptive-comparative method is what connection exists in the (chosen) paintings of Iran and India in terms of concepts and human illustration methods of the Zodiac Man? According to the conducted studies the style of ‘Zodiac Man’ iconography in both paintings follows the same pattern and idea, but its processing ways have turned into native forms.

Key words: ‘Zodiac Man’, astronomy, medical imaging, Iranian painting, Indian painting.

1- Email: al.taheri@art.ac.ir

2- Email: z.aghajanzadeh25@gmail.com